

## واکاوی و بررسی حقوق بزه‌کاری اطفال در قانون انگلستان و ایران

اکرم سپیانی<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به بررسی‌های انجام شده و اهمیت بالای نقش و تأثیر دوران طفولیت در دوران مختلف رشد و با توجه به مقایسه تطبیقی حقوق بشری اطفال در قانون انگلستان و ایران و بررسی اماره‌های عدم رشد، غیر قابل رد عدم رشد و نیز اماره قابل رد عدم رشد و اشکالات وارده بر این اماره‌ها و بررسی حقوق اطفال در ایران به عنوان منادی دفاع از حقوق بشر و واکاوی سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ و رشد از نگاه علمای ایران، در این پژوهش روند دادرسی عادلانه کودکان معارض با قانون در قوانین جمهوری اسلامی ایران بررسی شده و تلاش جمهوری اسلامی ایران بر ایجاد سازوکارهای حمایتی از کودکان معارض با قانون به واکاوی گذاشته می‌شود. در این مقاله هم‌چنین به صورت اجمالی به مقایسه تطبیقی حقوق بزه‌کاری اطفال در قانون انگلستان و ایران پرداخته شده و نمایی از جریان رسیدگی عادلانه‌ای که در محاکم قضایی مبتنی بر نظام مسئولیت تدریجی در پرونده‌های قضایی کودکان اجرا می‌شود، بیان و در پایان به اقدامات حمایتی ایران از این کودکان اشاره می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** حقوق، کودکان، قضایی، مسئولیت، عادلانه.

## مقدمه

توجه به موضوع اطفال و نوجوانان، به‌ویژه در کشورهایی که ترکیب جمعیتی آن‌ها جوان است، به دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت شایانی برخوردار است. اطفال از یک‌سو به لحاظ گذر از دوره طفولیت به دوره نوجوانی و جوانی و طی فرایند جامعه‌پذیری، نیاز به برنامه‌های آموزشی و پرورشی ویژه دارند و از سوی دیگر، به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیازمند کارآموزی، کسب مهارت‌های اجتماعی، حرفه‌ای و تنظیم اوقات فراغت مناسب هستند. بدیهی است که مجموعه این عوامل و برنامه‌ها، در صورت تحقق، به آن‌ها اجازه رشد مناسب و شکل‌گیری شخصیت هماهنگ را می‌دهد و بدین سان است که اطفال برای رویارویی با وقایع اجتماعی و واقعیت‌های زندگی در دوره بزرگسالی آماده می‌شوند. اصولاً در علوم جنایی، دوران کودکی و نوجوانی، موضوع مطالعات تجربی مستقل و نیز موجب وضع قوانین ماهوی و شکلی خاص و به‌طور کلی اعمال اقدام‌های متفاوت پرورشی، اسلامی و پیش‌گیرانه بوده و لذا اسلام به عنوان مدافع حقوق بشر، برای تضمین کرامت انسانی و آزادی‌های بشر در این زمینه گام برداشته است. در این رابطه، اجرای مجازات کودکان در ایران، طی یک فرایند دادرسی عادلانه در دادگاه‌های خاص اطفال و نوجوانان و زیر نظر قضات باتجربه‌ای که حداقل ۵ سال سابقه کار قضایی دارند و با حضور وکیل و مشاوران کودک انجام می‌شود. هم‌چنین با استناد به قانون مجازات اسلامی، چنانچه کودک اهمیت جرم را تشخیص ندهد یا حرمت آن را نداند یا در رشد عقلی او شبهه‌ای وجود داشته باشد، حکم به قصاص در مورد او صادر نمی‌شود. (ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی)

هم‌چنین در مواردی که شبهه وجود ندارد و رشد عقلی تأیید می‌شود، امکان تجدیدنظر در خصوص حکم صادره در دادگاه‌های تجدیدنظر وجود دارد و در رویه قضات در دادگاه، اصل بر بی‌گناهی کودک و حمایت معنوی از آن‌ها می‌باشد و تا جایی که بتوانند از اقدامات تأمینی و تربیتی برای این کودکان استفاده می‌کنند؛ لذا دادرسی کودکان بیشتر تحت تأثیر عدالت ترمیمی است. از این رو، دغدغه اعمال یک سیاست جنایی افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان معارض قانون، تدوین‌کنندگان لایحه قضایی قانون را بر آن داشته است تا برای توسعه راه‌کارهای قضازدایی با گرایش عدالت ترمیمی، تضمین مؤثرتر حقوق بنیادین کودک و پیش‌بینی برخی شیوه‌های خاص رسیدگی (افتراقی)، زمینه اجرای یک دادرسی افتراقی برای کودکان را فراهم آورند.



حقوق کودک بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین‌الملل دارد؛ لذا در این مقاله، به صورت اجمالی به مقایسه تطبیقی حقوق بزه‌کاری اطفال در قانون انگلستان و ایران پرداخته می‌شود. در این خصوص، پس از واکاوی سن مسئولیت کیفری در کشور انگلستان و نیز سن بلوغ و رشد از نگاه علمای ایران، حقوق مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی انگلستان و نیز نظام عدالت کیفری اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد و نمایی از جریان رسیدگی عادلانه‌ای که در محاکم قضایی مبتنی بر نظام مسئولیت تدریجی در پرونده‌های قضایی کودکان اجرا می‌شود، بیان و در پایان به اقدامات حمایتی ایران از این کودکان اشاره می‌گردد.

فرایند تحول تدریجی رشد جزایی به دو صورت در قوانین کیفری انگلستان مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب که تا سنین خاصی، اماره غیرقابل رد عدم رشد لحاظ می‌شود و طفل را به کلی از مسئولیت مبرا می‌سازد، اما در مورد اطفال در سنین بالاتر نیز اماره قابل رد عدم رشد وضع شده و در صورتی که رشد جزایی طفل اثبات گردد، مسئول شناخته می‌شود.

رویکرد دوم، تدریجی نمودن نوع و شدت واکنش‌هایی است که در پاسخ به پدیده مجرمانه اتخاذ می‌شود. با توجه به تدریجی بودن فرایند رشد کیفری، قانون‌گذار می‌تواند واکنش‌هایی متفاوت و متناسب با هر مرحله، نسبت به رفتار مجرمانه ارائه نماید. بدین ترتیب به جای آن‌که اطفال بزه‌کار در پس مصونیت ناشی از وجود اماره‌های عدم رشد، از کنترل سیستم قضایی خارج شده و در جامعه به حال خود رها شوند، مورد مداخله زودرس قرار گرفته و اقدامات تربیتی و اصلاحی لازم نسبت به آن‌ها به اجرا در می‌آید. اعمال صحیح و اقدامات حمایتی و تربیتی، اطفال را از محیط‌های جرم‌زا خارج نموده، آن‌ها را با نتیجه اعمالشان روبرو کرده و احساس مسئولیت را در آنان تقویت می‌کند. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵)

در نظام عدالت کیفری اسلام، شروع سن تکلیف انسان در برابر دستورات خداوند برای دختران نه سالگی و برای پسران پانزده سالگی است و پس از آن از منظر فقه اسلامی، برای انجام دادن امور مالی و حقوقی، علاوه بر عقل و بلوغ، «رشد» نیز شرط شده و کسی که به حد رشد نرسیده، به اصطلاح سفیه است، اگرچه بالغ و عاقل باشد. به همین دلیل، چنین فردی محجور محسوب شده و از انجام هر نوع اعمال حقوقی ممنوع است و به تعبیر حقوقی، اهلیت استیفا یا اهلیت انجام دادن اعمال حقوقی را ندارد و با توجه به توانمندی کودک در برقراری رابطه جنسی و تولید مثل و آغاز بلوغ اجتماعی کودک از سنین سیزده سالگی در دختران و پانزده سالگی در پسران، این سن را به عنوان معیاری برای سن ازدواج مدنظر قرار می‌دهند.



در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، مقنن سن مسئولیت کیفری تدریجی را برای سنین نه تا پانزده سال تعریف کرده و به تقسیم‌بندی این محدوده سنی پرداخته است. قانون‌گذار یکی از ملاک‌های اصلی خود را سن دوازده سالگی قرار داده و تأکید دارد که این مرز سنی مشخص می‌کند که واکنش ارائه شده به بزه‌کار نوجوان، از چه شدتی برخوردار باشد. هم‌چنین در تبصره ۲ همین ماده، در خصوص جرایم موجب حد یا قصاص نابالغ، باز هم سن دوازده سالگی به عنوان ملاک تمیز و تفکیک قرار گرفته است؛ بدین صورت که اگر طفل بیش از دوازده سال داشته باشد، با واکنشی نسبتاً شدیدتر از افراد زیر دوازده سال مواجه می‌شود. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۶۶-۷۲۵)

## ۱- رویکرد نوین حقوق انگلستان

حقوق انگلستان صغار را به سه دسته تقسیم می‌کند:

### ۱-۱- کودکان زیر ۱۰ سال

به موجب بخش ۵۰ قانون «اطفال و اشخاص جوان»، مصوب سال ۱۹۳۳ که به‌وسیله بخش ۱۶ قانونی به همین نام در سال ۱۹۶۳ اصلاح شده است، این‌گونه اطفال نمی‌توانند به ارتکاب هیچ‌گونه جرمی محکوم شوند، هرچند که ممکن است در محاکم اطفال، دادرسی‌ها در مورد شیوه مراقبت از آن‌ها جریان یابد. حداقل سن کیفری در کامن‌لا، هفت سال بوده که به موجب قانون موضوعه، ابتدا به هشت سال و سپس به ده سال تغییر یافت. نتیجه این قاعده اماره عدم رشد بود که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

### ۱-۲- کودکان از ۱۰ تا کمتر از ۱۴ سال

تا سال ۱۹۸۸ این کودکان در صورتی از مسئولیت کیفری برخوردار بودند که تعقیب‌کننده می‌توانست علاوه بر وجود عنصر مادی و روانی، بر خورداری آنان از یک «نظر شیرانه»، یعنی علم آن‌ها به قبح عمل ارتكابی را اثبات نماید. به عنوان مثال، در یک اتهام سرقت باید اثبات می‌شد که کودک نه تنها عمل ربایش را به قصد سرقت انجام داده، بلکه وی از قبیح بودن عمل سرقت نیز مطلع بوده و آگاهی داشته است.

### ۱-۳- اشخاص بین ۱۴ تا ۱۸ سال

مسئولیت کیفری این اشخاص درست مانند افراد بزرگسال است. به عبارت دیگر، با ثبات عنصر مادی و روانی، مسئولیت کیفری برای آنان به وجود می‌آید. البته اختلاف قابل توجه و چشمگیری بین برخورد با بزرگسالان و برخورد با این افراد وجود دارد. در مورد اشخاص اخیرالذکر، بیشتر بر اصلاح و تربیت تأکید می‌شود.



## ۲- انواع اماره‌های عدم رشد

به تبع تقسیم‌بندی صغار و تدریجی بودن فرایند رشد جزایی، این موضوع از دیرباز در نظام کامن‌لا مورد توجه واقع شده و بدین ترتیب اماره‌های دوگانه‌ای در این نظام به وجود آمدند. اولین اماره «فرض غیرقابل رد عدم رشد» می‌باشد و مخصوص کودکانی است که در سنین عدم تمیز مطلق قرار دارند. دومین اماره نیز «فرض قابل رد عدم رشد» است که در مورد کودکانی که دارای تمیز نسبی هستند اعمال می‌شود.

### ۱-۲- اماره غیرقابل رد عدم رشد

نظام کامن‌لا، از قرن چهاردهم، اطفالی را که در سنین پایین هستند، فاقد مسئولیت کیفری دانسته و مرز مشخصی برای آن قائل نبوده، لیکن بعدها سن هفت سالگی را به عنوان حد بالای آن در نظر گرفته و اطفال زیر هفت سال را قابل تعقیب کیفری و محاکمه ندانست. چنین اطفالی نه تنها فاقد مسئولیت کیفری بودند، بلکه اصولاً اعمال این گروه جرم محسوب نشده و به عبارت دیگر فاقد «اهلیت جنایی» محسوب شدند. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵)

در نتیجه این قاعده، در دعوی «والترز علیه لانت» (Mischievous discretion) در سال ۱۹۵۱، یک کودک هفت ساله سه چرخه کودک دیگری را برداشت، لیکن با توجه به عدم امکان محکوم شدن کودک به ارتکاب سرقت، سه چرخه‌ای که برداشته بود، «مسروقه» محسوب نشد و پدر و مادر او که آن را از وی گرفته بودند، به دریافت کالای مسروقه محکوم نشدند. پس از آن، ماده ۵۰ قانون اطفال و نوجوانان که در سال ۱۹۶۳ اصلاح شده، این سن را به ده سالگی ارتقاء داده است. (صادقی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۵)

### ۲-۲- اماره قابل رد عدم رشد

هم‌زمان با شکل‌گیری اماره پیشین، اماره دیگری در خصوص اطفالی که در سنین بالاتری قرار داشتند پدید آمد. در ابتدا محدوده سنی آن مشخص نشده بود، تا آن‌که در قرن هفدهم، چهارده سالگی به عنوان حد بالای این اماره پذیرفته شد. حداقل این اماره نیز همان‌گونه که گفتیم ابتدا هفت سالگی بود که بعدها به هشت و سپس ده سالگی ارتقاء یافت. از نیمه اول قرن ۱۹ این شیوه بیان اماره به کار رفت:

A child [over ten but] under fourteen is in law not capable of committing a crime unless it is proved that at the time of the act he knew that it was wrong

(طفل بالای ده سال و زیر چهارده سال، از لحاظ قانون، ناتوان از ارتکاب جرم شناخته می‌شود، مگر



این که ثابت شود در زمان ارتکاب می دانسته که عملش خطا است. (پاک نهاد، ۱۳۸۵)

فرض دیگری نیز که تا سال ۱۹۹۳ برای پسر بچه‌های زیر چهارده سال وجود داشت، دال بر این بود که این پسر بچه‌ها را نمی توان به ارتکاب تجاوز یا هر جرم جنسی دیگری که نیازمند تحقق نزدیکی جنسی باشد، محکوم کرد. (QB ۶۰۰ ۲ [1۸۹۲] R. V Waite) با توجه به دلایل پزشکی و زیست‌شناختی و برای حمایت از قربانیان جرم و نیز با توجه به آمار موجود که نشان می داد پسر بچه‌های بسیاری به ارتکاب تعرض منافی عفت محکوم شده‌اند و تنها دلیل این کار عدم امکان قانونی محکوم کردن آن‌ها به ارتکاب تجاوز بوده است، این فرض به موجب قانون جرایم جنسی مصوب سال ۱۹۹۳ ملغی شد. البته پس از ملغی شدن این فرض نیز احکام محکومیت زیادی در مورد پسر بچه‌های زیر چهارده سال برای ارتکاب تجاوز جنسی صادر نشده و برای مثال در سال ۱۹۹۳ دو فقره تعقیب بدون محکومیت و در سال ۱۹۹۴ دو فقره تعقیب با دو محکومیت صادر شد که از دو محکومیت اخیرالذکر نیز یک محکومیت در مرحله تجدیدنظر نقض شد. (صادقی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۵)

در یک دوره طولانی در قوانین انگلستان این اماره وجود داشته که کودکان ده تا چهارده سال از خطا بودن آنچه انجام می دهند، آگاه نیستند و بنابراین نمی توان آن‌ها را بدون ادله مثبت این علم یا به اصطلاح سوءنیت، تحت محکومیت کیفری قرارداد. یکی از قضات قرن هجدهم به نام «هال»، صدق یک ملاک را برای تشخیص این سوءنیت کافی دانسته است و می گوید: «کودکان در زمان ارتکاب جرم می بایست قدرت تشخیص بین خوب و بد را داشته باشند.» این چنین آزمونی در پرونده جیم (کودک صغیر) علیه رونکلس، صورت گرفت. بنابراین آزمون، کودک می دانسته آنچه که انجام می دهد، بسیار خطا و فراتر از شیطنت است، هر چند نسبت به ماهیت غیرقانونی یا غیراخلاقی عمل خود آگاه نبوده است. به هر حال، برای رد این اماره، باید دلایل مجزایی جود داشته باشد. (کیلیان، ۱۳۸۳)

### ۳- مشکلات کنونی فرضیه *doil incapax* و انتقادات وارد بر آن

در مقایسه با دیگر کشورها، انگلستان و ولز (Wales and England) در سیاست تقنینی خود، یک رویکرد بسیار افراطی و سزادهنده (*approach punitive*) در مقابله با کودکان بزه‌کار در نظر گرفته‌اند. تأثیر تصمیمات در پرونده‌های PVDP و TVR این است که متهمان جوان با توانایی ذهنی معیوب، در معرض شدت عمل سیستم عدالت کیفری قرار می گیرند. این دقیقاً همان موقعیتی است که در آن، فرضیه مورد نظر می توانست حقوق افراد جوان را تضمین کند.



### ۳-۱- غیر ضروری بودن اماره قابل رد عدم رشد

مهم‌ترین دلیل ارائه شده از سوی حقوق‌دانان انگلیسی در مخالفت با اماره قابل رد عدم رشد، غیرکاربردی و غیرضروری دانستن اماره مذکور در شرایط و زمان کنونی است. چند دلیل ارائه شده برای این ادعا عبارت است از:

### ۳-۱-۱- رشد سریع‌تر اطفال در دوران فعلی

امروزه اطفال نسبت به زمان شکل‌گیری اماره، رشد سریع‌تری دارند. استفان اسکارلت در این باره چنین نظر داده است: «بدیهی است که اطفال در سال‌های آخر قرن بیستم نسبت به هم‌سالان خود در دویست سال پیش، بهتر آموزش می‌بینند. یک طفل دوازده ساله در استرالیا، به تلویزیون، رادیو و اینترنت دسترسی داشته و نسبت به یک طفل دوازده ساله در سال ۱۷۶۹ میلادی در انگلستان، فهم بهتری دارد.»

### ۳-۱-۲- حذف مجازات‌های خشن

برخی دیگر در توجیه غیرضروری بودن این اماره چنین استدلال می‌کنند که در زمان شکل‌گیری این اماره، اطفال در معرض مجازات‌های خشن و سخت قرار داشتند؛ اما امروزه حقوق جزا بسیار متفاوت است و در مورد جوانان، تأکید دادگاه بر پیش‌گیری از ارتکاب جرم است. ضمن این‌که در گذشته وضع اماره مذکور، تضمینی در مقابل سخت‌گیری‌های سیستم دادرسی بود، اما امروزه رویکرد اصلاحی و تربیتی قانون‌گذار، لزوم مداخله زودرس را توجیه می‌کند.

### ۳-۱-۳- تبعیض آمیز بودن اماره

وجود این قاعده باعث شده بود اطفالی که در خانواده‌های محترم رشد یافته‌اند، نسبت به اطفالی که در خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی و فرهنگی در موقعیت پایین‌تری هستند، در موارد بیشتری مسئول شناخته شوند.

### ۳-۱-۴- مبهم بودن اماره

در این رابطه، دادستان باید ثابت کند که در زمان ارتکاب جرم، طفل می‌دانسته که عمل وی «کاملاً خطاست.» کاملاً خطا، مفهومی مبهم است، نه به معنای مجرمانه بودن عمل است و نه به معنای غیراخلاقی بودن آن. (مهر، نوروزی، ۱۳۹۱)

### ۳-۲- غیر منطقی بودن اماره قابل رد عدم رشد

در مورد غیر منطقی بودن اماره، سه استدلال مطرح شده است:



اول) این اماره از یک طرف فرض می‌کند که طفل زیر چهارده سال، قدرت تشخیص مجرمانه بودن رفتارش را ندارد و از طرف دیگر اجازه می‌دهد چنین فرضی با دلایل، رد شده و ثابت شود که متهم از نظر رشد عقلی، طبیعی است. در عمل، این فرض در صورتی می‌تواند رد شود که دادستان مدارکی دال بر این که متهم از رشد ذهنی متناسب با سن خود بهره‌مند است را فراهم نماید.

در پاسخ به این انتقاد باید گفت، ممکن است در عمل ارائه دلایلی مبنی بر طبیعی بودن رشد ذهنی متهم و تناسب آن با سنش، برای رد اماره، مورد پذیرش قرار گیرد؛ اما باید توجه داشت که این امر مبنای رد اماره نیست. مسئله اساسی این است که آیا اطفال مزبور می‌دانسته‌اند که عملشان کاملاً خطاست یا خیر و دلایلی در این خصوص باید ارائه گردد. رد غیر منطقی این فرض در عمل، دلیل غیر منطقی بودن این اماره نیست. در حقیقت، تنها مسئله‌ای که این منتقدان آشکار می‌کنند، مربوط به ابهام آن‌ها در نوع دلایلی است که برای رد این اماره لازم است.

دوم) گفته شده است: «در این اماره آنچه که باید استثنا باشد به عنوان یک قاعده فرض می‌شود، یعنی فرض می‌شود که متهم ده تا چهارده ساله شناخت کافی به اندازه هم‌سالان خود ندارد.» در پاسخ باید گفت:

اولاً، بر چه مبنایی رشد کودک اصل است و عدم رشد وی استثنا؟ مسلم است که اطفال تا سنین خاصی قطعاً به رشد کافی نمی‌رسند. مثلاً بنا به فرض قانون‌گذار انگلستان تا ده سالگی، چگونه است که بعد از این مدت، به یک‌باره تمام کودکان به رشد عقلی دست می‌یابند؟ اقتضای اصل استصحاب این است که بعد از این مدت نیز تا سنین خاصی، طفل فاقد رشد کافی شناخته شود، مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

ثانیاً، موضوع اماره اصلاً مقایسه طفل با هم‌سالان خود نبود. بحث بر سر این بود که آیا متهم نسبت به درک ماهیت مورد اتهام، رشد کافی داشته است یا خیر. این که گاهی دادگاه‌ها با توجه به رشد طبیعی طفل و مقایسه وی با دیگر هم‌سالانش اماره را رد می‌کردند، اشتباه و ناشی از عدم توجه کافی به مفهوم قاعده بود. سوم) آلن میکائیل در نشست پارلمانی در مورد قانون جرم و بی‌نظمی چنین اظهار نظر کرده است: «این فرض که اطفال ده تا چهارده سال نمی‌توانند بین خوب و بد تمایز قائل شوند، خلاف عقل سلیم است. هرکس با اطفالی که در این سنین هستند، کار کرده، می‌داند که آن‌ها درک دقیقی از خوب و بد دارند.»





### ۳-۲-۱- دگرگونی‌های بنیادین

با توجه به انتقاداتی که در مورد اماره قابل رد عدم رشد وجود داشت، قانون‌گذار انگلستان این اماره را در سال ۱۹۹۸ حذف نمود. همچنین سیاست‌های دیگری در پشت حذف این اماره و ایجاد واکنش‌های اجتماعی متنوع نسبت به بزه‌کاری اطفال وجود داشت که از آن جمله می‌توان به تغییر رویکرد قانون‌گذار از اصلاحی - تربیتی به رویکرد مبتنی بر پیش‌گیری زودرس سخن گفت. اقدامات اصلاحی - تربیتی بر طفل بزه‌کار متمرکز می‌باشند و از این رو محیط خانوادگی و جامعه محلی را در بر نمی‌گیرد. این در حالی است که اقدامات پیش‌گیری زودرس، علاوه بر مرتکب، در جهت مقابله با عوامل خطر، بخش عمده‌ای از تمرکز و جهت‌گیری خود را بر محیط خانوادگی و جامعه محلی واقع می‌سازند. بنا بر این، در قوانین انگلستان نمونه قرارهایی را ملاحظه می‌کنیم که هیچ‌گونه الزامی برای طفل بزه‌کار ایجاد نکرده و بالعکس والدین وی را متعهد و ملزم به انجام برخی اقدامات می‌نمایند. در این مبحث، ابتدا به صورت مختصر روند شکل‌گیری تغییرات اخیر در حقوق انگلستان را مورد بررسی قرار داده و آن‌گاه به بررسی قرارهای موجود در این سیستم می‌پردازیم. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵)

### ۳-۲-۲- اهداف دادرسی اطفال

قانون جرم و بی‌نظمی، تغییراتی در رویکردی که نسبت به بزه‌کاری نوجوانان اتخاذ می‌شود، پدید آورد که بر مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس، پیش‌گیری اولیه و پیش‌گیری از تکرار جرم تکیه می‌کند. «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس [نسبت به اطفال] مبتنی بر وجود عوامل خطر است که می‌توان آن‌ها را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کرد که بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می‌کنند. هر اندازه که در معرض خطر قرارگرفتن فرد زودتر اتفاق افتد و اشکال آن متعددتر و مدت آن طولانی‌تر باشد، به همان میزان احتمال وارد و درگیر شدن و استمرار فرد در رفتارهای مجرمانه شدید، بیشتر خواهد شد.

با توجه به این‌که پیش‌گیری زودرس در فرایند رشد اطفال مداخله می‌کند، به این نوع پیش‌گیری، پیش‌گیری مبتنی بر رشد و توسعه یا پیش‌گیری از بزه‌کاری مزمن در قالب توسعه و رشد قوای فکری طفل نیز می‌گویند. این نوع پیش‌گیری، جنبه فنی و تربیتی دارد. در پیش‌گیری زودرس، اختلالات رفتاری و روانی طفل هدف قرار می‌گیرد؛ قدرت شناخت و تمیز وی تقویت شده و مانع عقب‌ماندگی شخص می‌شود. این اختلالات رفتاری ممکن است ناشی از قصور والدین در تربیت طفل، قصور اولیاء مدرسه



در تعامل با طفل یا ناشی از تعامل قهرآمیز و منفی بین نوجوانان و گروه دوستان و هم‌سالان باشد. تعامل قهرآمیز موجب فقر تجهیزات شناختی - تربیتی، فقدان قوه تمیز و عدم درک نتایج عمل می‌شود. این امر موجب می‌گردد فرد در بزرگسالی فاقد تصور و انتزاع باشد. طبیعتاً چنین افرادی نمی‌توانند میان عمل مجرمانه و مجازات، رابطه برقرار کنند. دلیل اهمیت اقدامات روان شناختی - اجتماعی زودرس، ملاحظه کارایی بسیار نسبی و حتی ناکافی اقدامات یا عملیات پیش‌گیری از نوع کلاسیک، پیش‌گیری اجتماعی در معنای وسیع کلمه، پیش‌گیری وضعی و به‌ویژه پیش‌گیری کیفی است.

مداخله زودرس در ماده ۳۷ قانون جرم و بی‌نظمی انگلستان چنین بیان شده است: (بند ۱ ماده ۳۷): «هدف اصلی سیستم دادرسی اطفال، پیش‌گیری از جرایم اطفال و نوجوانان است.» (بند ۲ ماده ۳۷): «اشخاصی که عهده‌دار عملکردهایی در رابطه با سیستم دادرسی اطفال می‌باشند، باید علاوه بر وظایف خود، به این هدف توجه کنند.»

قبل از وضع قوانین جدید، «جک استراو» که در آن زمان وزیر کشور بود، اظهار داشت: «آن‌هایی که در سیستم دادرسی اطفال کار می‌کنند، بدون هیچ‌گونه رهنمودی در مورد این که اولویت وظایف آن‌ها چیست و باید به چه اهدافی دست یابند، رها شده‌اند.» قانون جرم و بی‌نظمی، اولین گام مهم در مهیا نمودن این رهنمود بود. ماده ۳۷ این قانون برای همه کسانی که به نحوی در سیستم دادرسی اطفال درگیر می‌باشند، اعم از مددکاران اجتماعی، افسران پلیس، افسران تعلیق، قضات مجیستری و ...، این وظیفه را ایجاد نمود که پیش‌گیری از جرم و تکرار آن را مدنظر قرار دهند. همچنین این قانون به این مسئله مهم توجه داشت که به منظور داشتن یک سیستم دادرسی مؤثر، علاوه بر اطفال بزه‌کار، بزه‌دیدگان نیز باید در کانون توجهات واقع شوند.

در این رابطه، دولت، شش مسئله کلیدی که اشخاص درگیر در سیستم دادرسی اطفال باید به آن توجه کنند را چنین برشمرد:

- ۱) رسیدگی سریع و مقابله با اطاله دادرسی.
- ۲) مواجهه اطفال بزه‌کار با نتایج اعمالشان و کمک به افزایش احساس مسئولیت آن‌ها.
- ۳) اعمال مداخله‌ای که با عوامل جرم‌زا مقابله کند.
- ۴) تناسب مجازات با شدت جرم.
- ۵) تشویق جبران خسارت بزه‌دیدگان توسط اطفال بزه‌کار.
- ۶) اعمال مجدد مسئولیت والدین.



#### ۴- ارکان جدید دادرسی اطفال

##### ۴-۱- سازمان مرکزی نظارت و توسعه عدالت کیفری صغار (YJB)

این سازمان، یک نهاد اجرایی است که براساس ماده ۴۱ قانون جرم و بی‌نظمی ایجاد شد و از ۱۰ تا ۱۲ عضو که توسط وزیر کشور منصوب می‌گردند، تشکیل شده است. وظایف این سازمان به شرح زیر است:

- ۱) ارائه مشاوره به وزارت کشور در خصوص عملکرد سیستم دادرسی اطفال در مورد پیش‌گیری.
- ۲) کنترل عملکرد سیستم دادرسی اطفال که شامل دادگاه اطفال و کمیسیون‌های محلی اطفال بزه‌کار می‌شود.
- ۳) ارائه مشاوره به وزارت کشور در ترسیم استانداردهایی برای عملکرد کمیسیون‌های محلی اطفال بزه‌کار.
- ۴) شناسایی و به‌کارگیری بهترین رویه در دادرسی اطفال.

##### ۴-۲- کمیسیون‌های محلی اطفال بزه‌کار (YOT)

- کمیسیون‌های محلی اطفال بزه‌کار در سطح محلی بر سیستم دادرسی اطفال نظارت دارند. هدف دولت از ایجاد این کمیسیون‌ها، «متحد کردن مقامات محلی مربوطه در ارائه مداخلات مبتنی بر جامعه محلی و نظارت بر اطفال و نوجوانان بزه‌کار» بوده است. قانون جرم و بی‌نظمی، وظیفه تشکیل این کمیسیون‌ها را بر عهده مقامات محلی گذاشت. کمیسیون‌ها از کارکنان سیستم عدالت کیفری اطفال، افسران پلیس، افسران تعلیق و روان‌پزشکان تشکیل می‌شوند. برخی از وظایف این نهادها بدین شرح است:
۱. تشویق اطفال و نوجوانان در مواجهه با نتایج جرم و در نتیجه کاهش نرخ تکرار جرم.
  ۲. حمایت از اطفالی که توسط دادگاه تحت قرار می‌باشند.
  ۳. نظارت بر نوجوان‌های تحت قرار دادگاه.
  ۴. تهیه گزارشات لازم برای دادگاه.
  ۵. حمایت از اطفال محکوم در مدت اجرای مجازات و پس از آزادی از حبس.

##### ۴-۳- انواع قرارها

قرارهای معرفی شده در دو قانون جدید التصویب انگلستان، با هدف مداخله زودرس و جلوگیری از شکل‌گیری و استمرار رفتارهای مجرمانه در اطفال در معرض خطر، وضع شده‌اند که از طریق تأثیر



در فرایند رشد و جامعه‌پذیری طفل عمل می‌کنند. این قرارها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اعمال و اجرای برخی از این قرارها، منوط به حصول مسئولیت کیفری نبوده و علاوه بر اطفال، ممکن است الزاماتی برای والدین آن‌ها ایجاد نمایند. اعمال قرارهای گروه دوم مشروط به رسیدن به سن مسئولیت کیفری بوده و بسته به نوع قرارها، شامل اقدامات ترمیمی جهت جبران خسارات بزه‌دیدگان، اقدامات تربیتی و اصلاحی و برنامه‌های خاص برای تنظیم رفتار طفل بزه‌کار می‌گردند.

#### ۴-۳-۱- قرارهای غیرکیفری

امروزه اعتقاد بر این است که مداخله زودرس قبل از آن‌که طفل خود را به عنوان یک بزه‌کار بشناسد و جلوگیری از ریشه گرفتن عادات مجرمانه، غالباً مؤثرتر از رها ساختن طفل در محیط‌های جرم‌زا و انتظار برای رسیدن وی به سن مسئولیت کیفری و ورود به سیستم دادرسی کیفری است.

تحقیقات روان‌شناختی لزوم آموزش هنجارها و قواعد اجتماعی را در سنین کودکی متذکر می‌شوند و منطق قرارگیری مسئولیت کیفری بر مبنای رشد جزایی طفل نیز لزوم آموزش هنجارهای اجتماعی را توجیه می‌کند. امروزه دو نهاد اجتماعی مهم آموزش کودکان، خانواده و مدرسه می‌باشند، اما باید توجه داشت که این دو نهاد به خصوص خانواده، ممکن است در بسیاری از موارد، این رسالت خطیر خود را به خوبی انجام نداده و بالعکس به محیطی برای یادگیری رفتارهای ضداجتماعی تبدیل شوند. در اینجا است که قانون‌گذار باید با مداخلات خود به یاری طفل شتافته و صرف‌نظر از ارتکاب یا عدم ارتکاب رفتارهای مجرمانه، مجموعه اقدامات تربیتی و حمایتی را بر وی اعمال نماید. در زیر به بررسی این نوع قرارها در حقوق انگلستان می‌پردازیم.

#### ۴-۳-۱-۱- طرح ممنوعیت رفت و آمد شبانه

به موجب ماده ۱۴ قانون جرم و بی‌نظمی، ممکن است طرح‌های ممنوعیت رفت و آمد شبانه کوتاه‌مدتی بر اطفال زیر ده سال جاری شود. البته قانون پلیس و دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۱ این محدوده سنی را در مورد اطفال بی‌سرپرست تا پانزده سال ارتقاء داده و همچنین علاوه بر مقامات محلی، به پلیس نیز اختیار اعمال این ممنوعیت‌ها را داده است.

تقاضای طرح ممنوعیت به وزارت کشور ارائه می‌شود و در صورت پذیرش آن، پلیس یا مقام محلی اختاریه ممنوعیت را صادر می‌کند. مدت این قرار حداکثر ۹۰ روز است و از نظر زمانی زودتر از ساعت ۹ شب و دیرتر از ۶ صبح را در بر نمی‌گیرد.



#### ۴-۳-۱-۲- حمایت از کودک

ماده ۱۱ و ۱۲ قانون جرم و بی‌نظمی مربوط به قراردادهای حمایتی است. تحقیقات وزارت کشور انگلستان نشان داد که فشار و تحریک هم‌سالان می‌تواند تأثیری قوی بر ارتکاب جرم از ناحیه اطفال داشته باشد و احتمال آن را تا سه برابر افزایش دهد. قرار حمایت از کودک به منظور نظارت بر اطفال و دور کردن آن‌ها از محیط‌های مجرمانه و فشار هم‌سالان وضع شده است. به موجب ماده (۱) ۱۱ و براساس تقاضای مقام محلی، در صورتی که دادگاه مجبستریت متقاعد شود که یک یا چند شرط بند ۳-۱۱ در مورد طفل زیر ده سال وجود دارد، قرار حمایت از کودک را صادر می‌نماید. این شروط به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) طفل مرتکب عملی شده که اگر ده سال یا بالاتر داشت، عملش جرم بود.
- ۲) قرار حمایت از کودک به منظور جلوگیری از ارتکاب چنین عملی ضروری است.
- ۳) طفل ممنوعیت مقرر در اخطار منع رفت‌وآمد را نقض کرده است.
- ۴) طفل به‌گونه‌ای عمل کرده که موجب مزاحمت، هراس یا آشفتگی یک یا چند نفر غیر از اعضای خانواده‌اش شده است.

براساس قرار حمایتی، طفل زیر سن مسئولیت کیفری، تحت نظارت یک مأمور مسئول (یعنی یک مددکار اجتماعی اداره خدمات اجتماعی محلی یا یک عضو کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار) قرار می‌گیرد. همچنین ممکن است دادگاه طفل را ملزم کند از شروطی که آن‌ها را برای کنترل دقیق وی لازم می‌داند از جمله خودداری از معاشرت با افرادی که دادگاه مشخص می‌نماید، تبعیت کرده و از تکرار رفتارهایی که منجر به صدور این قرار شده است، خودداری نماید. اصولاً قراردادهای حمایت کودک بیش از سه ماه به طول نمی‌کشد، مگر در موارد خاص که تا ۱۲ ماه نیز می‌تواند جاری شود.

#### ۴-۳-۱-۳- قرار ویژه والدین

یکی از اهداف عمده اصلاح سیستم دادرسی اطفال، احیاء مسئولیت والدین در حفظ اطفال خود از عوامل مجرمانه بود؛ لذا به منظور اجرای این امر، قرار ویژه والدین معرفی شد. مطالعات وزارت کشور انگلستان نشان داده است اطفالی که در سطح پایین یا متوسطی از نظارت والدین قرار دارند، بیش از دو برابر اطفالی که در سطح بالای نظارت می‌باشند، در معرض عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرند. قرار ویژه والدین در یکی از شرایط زیر صادر می‌شود:



۱) همراه با قرار حمایت از کودک.

۲) به همراه صدور قرار ویژه رفتار ضداجتماعی یا قرار ویژه مجرمان جنسی.

۳) وقتی طفل یا نوجوان محکومیت یافته است.

۴) زمانی که شخص بر اساس مواد ۴۴۳ و ۴۴۴ قانون آموزش مصوب ۱۹۹۶ محکومیت یافته است. قبل از صدور قرار، دادگاه اطلاعاتی در خصوص وضعیت خانوادگی طفل کسب نموده و شرایط قرار و نتایج عدم تبعیت از آن را برای والدین توضیح می‌دهد. قرار ویژه والدین، آن‌ها را ملزم به حضور در جلسات مشاوره و راهنمایی که بیش از سه ماه طول نمی‌کشد، می‌سازد. همچنین ممکن است والدین ملزم به اعمال اقدامات کنترل‌کننده خاصی نظیر حصول اطمینان از حضور منظم طفل در مدرسه یا اجتناب طفل از ارتباط با افراد خاص شوند. این شرایط می‌تواند تا ۱۲ ماه ادامه یابد. در صورت لزوم می‌توان این قرار را تنها در مورد یکی از والدین صادر کرد. خودداری از رعایت قرار، می‌تواند منجر به تعیین جریمه‌ای تا هزار پوند شود.

#### ۴-۳-۱-۴- قرار ویژه رفتارهای ضداجتماعی

این قرار در مورد اطفال ده سال و بالاتر صادر شده و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی مشروح در آن را ممنوع می‌کند. این قرار توسط پلیس یا یک مقام محلی، در مورد طفلی که مرتکب رفتار ضداجتماعی می‌شود، درخواست می‌گردد. رفتار ضداجتماعی، رفتاری است که موجب آزار و ناراحتی افرادی غیر از خانواده شود. صدور این قرار به منزله مجرم شناختن طفل به دلیل ارتکاب جرم نیست. در قانون مشخص نشده است چه رفتارهایی ممکن است به وسیله قرار ممنوع شوند. بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی ممکن است تبدیل به اعمال مجرمانه گردند و هدف از این قرار، جلوگیری از شکل‌گیری عادات مجرمانه است. آنچه که از الفاظ قانون به ذهن متبادر می‌گردد این است که ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی برای یک مرتبه نیز جهت صدور قرار کفایت می‌کند و در حقیقت قانون‌گذار تعدد رفتار را لازم ندانسته است، اما با توجه به فلسفه وضع قرار که عبارت از ممانعت از ریشه گرفتن رفتارهای ضداجتماعی و تبدیل آن‌ها به رفتارهای مجرمانه است، احراز عادت ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی و از این رو اثبات ارتکاب حداقل دو بار رفتار را ضروری شناخته‌اند.

کارآیی این قرار بیشتر برای اطفال و نوجوانانی که در رده سنی دوازده تا هفده سال قرار دارند، می‌باشد. همان‌طور که گفته شد ماهیت این قرار غیرکیفری است و منجر به ایجاد سابقه کیفری نمی‌شود. البته نقض این قرار جرم بوده و با مجازات تا ۵ سال حبس روبرو می‌شود.



#### ۴-۳-۲- قراردادهای کیفری

اعمال و اجرای این دسته از قراردادها نیز مبتنی بر مداخله زودرس و کمک به طفل در پذیرش مسئولیت اعمال خود می‌باشد، اما با توجه به این که این قراردادها الزامات نسبتاً شدیدتری برای طفل ایجاد می‌نمایند، قانون‌گذار انگلستان اعمال آن‌ها را منوط به رسیدن طفل به سن مسئولیت کیفری و ارتکاب جرم نموده است.

#### ۴-۳-۱- قرار ارجاع

قرار ارجاع در قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹، به عنوان مجازات اصلی برای اطفال ده تا هجده ساله که به مجرمیت اقرار نموده و فاقد سابقه کیفری باشند، پیش‌بینی شده است. صدور قرار ارجاع در تمام پرونده‌ها، جز مواردی که دادگاه طفل را به مجازات حبس محکوم نموده یا قراردادهای ویژه بیمارستان صادر کرده یا طفل را تبرئه می‌کند، الزامی است. این قرار ریشه در مفاهیم عدالت ترمیمی، یعنی ترمیم، سازگاری مجدد و مسئولیت‌پذیری دارد. برحسب شدت جرم، این قرار از سه تا دوازده ماه می‌باشد. بنابراین بیشتر اطفال بزه‌کاری که برای نخستین بار محکومیت می‌یابند، به یک هیأت اطفال و نوجوانان بزه‌کار ارجاع می‌شوند که اشکال مناسب عملکرد را بررسی نموده و عرصه‌ای برای ارائه دیدگاه‌های بزه‌دیده مهیا می‌نماید.

هیأت اطفال و نوجوانان بزه‌کار از دو داوطلب که مستقیماً از جامعه محلی استخدام شده‌اند و یک عضو کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار، تشکیل می‌شود. این هیأت با طفل بزه‌کار، والدین طفل و در صورت امکان بزه‌دیده، مذاکراتی انجام می‌دهد تا به یک قرارداد اصلاحی دست یابند. عدالت ترمیمی برای بزه‌دیدگان این فرصت را فراهم می‌آورد که در صورت تمایل، تأثیرات جرم بر آن‌ها را برای بزه‌کاران نقل کنند. همچنین می‌تواند سؤالاتی مطرح نموده، توجیحات یا عذرخواهی متهم را شنیده و نحوه کاهش و حذف آثار و نازاحتی‌های ناشی از جرم را برای او شرح دهد.

هیأت، دلایل رفتار مجرمانه را بررسی نموده و به طراحی برنامه‌ای در مورد مجموعه اقداماتی در جهت برخورد با جرم و جلوگیری از تکرار جرم می‌پردازد. طفل بزه‌کار، والدین وی یا مراقبانی که دستور حضور در جلسات هیأت را دارند باید ظرف مدت ۵ روز از زمان صدور قرار حاضر شوند، آن‌گاه اولین جلسه در اسرع وقت، در مدت ۱۵ روز از زمان صدور قرار، برگزار می‌شود. بنا بر قانون دادگاه‌های مجیستریت ۱۹۸۰، عدم شرکت والدین یا سرپرست قانونی طفل، بدون عذر موجه در جلسات هیأت، تعقیب کیفری در پی دارد.



براساس توافق همه اطراف دعوی، توافق‌نامه‌ای به منظور ترمیم خسارات بزه‌دیده یا جامعه فراهم می‌شود. قسمت عمده دیگر این توافق‌نامه در مورد رفتار مجرمانه است و شامل حضور در جلسات نظارت و ارزیابی (با حضور یک مأمور کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار)، رهنمودهایی در مورد رفتار و... می‌شود. همچنین این توافق‌نامه می‌تواند شامل بخش‌های دیگری در راستای برخورد با رفتار مجرمانه، نظیر مشاوره در مورد مواد مخدر، کنترل عصبانیت و... باشد.

این قرار تحت نظارت کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار قرار داشته و در جلسات منظم هیأت اطفال و نوجوانان بزه‌کار مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد. زمانی که مدت قرار با موفقیت سپری شد، محکومیت «گذرانده شده» محسوب می‌شود. در صورتی که در زمان اجرای قرار، طفل بزه‌کار مرتکب جرم جدیدی شود، دادگاه می‌تواند مدت قرار یا شرایط آن را توسعه دهد یا این‌که قرار را لغو نموده و اقدام به تعیین مجازات دیگری نماید. اگر هیأت نتواند در مدت معقولی با بزه‌کار توافق نماید و نیز در صورت خودداری بزه‌کار از حضور در جلسات توافق و عدم امضای توافق‌نامه یا عدم انجام شروط مقرر در توافق‌نامه، وی به دادگاه ارجاع می‌شود. در صورت ارجاع طفل به دادگاه، مرجع مذکور بنا به تشخیص خود اقدام مناسب دیگری اتخاذ می‌نماید و در تصمیم‌گیری شرایط بازگشت طفل به دادگاه و در صورتی که توافق‌نامه‌ای تنظیم شده باشد، میزان تبعیت طفل از آن را در نظر می‌گیرد.

### ۴-۳-۲- قرار ترمیمی

آلن میکائیل در نشست بررسی قانون، اهمیت عدالت ترمیمی را چنین بیان نمود: «گنجاندن مسئله ترمیم در [قرار ترمیمی] یا دیگر انواع مجازات‌ها نظیر قرارهای نظارت، باید یکی از اصول کلیدی سیستم عدالت کیفری ما و به‌ویژه دادرسی اطفال باشد.»

قرار ترمیمی برای الزام بزه‌کار به ترمیم خسارات بزه‌دیده یا جامعه محلی وضع شده است. هدف از این قرار این است که بزه‌کار صدماتی را که در نتیجه ارتکاب جرم به بزه‌دیده و جامعه محلی وارد شده است را دریافت کرده و در رفع آن‌ها کمک کند و از این طریق مسئولیت اعمال خود را بپذیرد. قرارهای ترمیمی از مهم‌ترین تصمیماتی است که در مورد اطفالی که جرم آن‌ها چندان شدید نیست که اعمال مجازات در معنای خاص را ایجاب نماید، اتخاذ می‌شود. دلیل این امر ماده ۱۱-۶۷ است که مقرر می‌دارد: «دادگاه باید برای عدم صدور قرار ترمیمی در هر مورد، استدلال نماید.»





این قرار می‌تواند به عنوان قسمتی از قرار برنامه اقدامات یا یکی از شروط قرار نظارت یا جزء برنامه‌هایی که توسط سازمان مرکزی نظارت و توسعه عدالت کیفری صغار تنظیم می‌شود، به کار رود. بنابراین، این قرار، هم در مرحله قبل از دادگاه و هم در مرحله تعیین مجازات، قابل اعمال است. قبل از صدور قرار، دادگاه گزارش کتبی افسر تعلیق، مددکار اجتماعی یا عضو تیم ویژه بزه‌کاری اطفال را در خصوص اقداماتی که اجرای آن از ناحیه طفل ضروری است و نیز عقیده و دیدگاه بزه‌دیده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

قرار ترمیمی شامل مجموعه اقداماتی نظیر نوشتن نامه عذرخواهی، عذرخواهی رو در رو، جبران زیان‌های ناشی از جرم و ... می‌گردد. اگر بزه‌دیده خواهان دریافت هیچ‌یک از اشکال جبران خسارت نباشد، جبران خسارت از جامعه محلی، به اشکال دیگری به عمل می‌آید. محتوای قرار باید متناسب با شدت جرم باشد و نباید محکوم‌علیه را در مجموع به بیش از ۲۴ ساعت فعالیت وادارد. دادگاه به منظور کنترل اجرای قرار، یک ناظر تعیین می‌نماید و او در صورت خودداری محکوم‌علیه از اجرای شروط قرار، مراتب را به دادگاه اطلاع می‌دهد. ناظر قرار، مجموعه اقداماتی که طفل باید انجام دهد را به وی تفهیم کرده و دستورالعمل‌هایی در خصوص شیوه اجرای آن، به او ارائه می‌نماید. همچنین در صورت لزوم با والدین طفل دیدار و گفتگو می‌کند.

#### ۴-۳-۲-۳- قرار برنامه اقدامات

این قرار یک مجازات اجتماعی سه ماهه است که به منظور ارائه پاسخی کوتاه اما مؤثر به رفتار مجرمانه، مهیا شده است. این برنامه توسط یک مأمور تعلیق، مددکار اجتماعی یا یکی از اعضای کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار مورد نظارت قرار می‌گیرد و در طول مدت قرار، شروط خاصی را بر رفتار طفل بزه‌کار حاکم می‌سازد. این قرار، با مجازات حبس قابل جمع نیست و تنها با رضایت بزه‌دیده امکان ورود ارکان ترمیمی در آن وجود دارد.

این قرار با عواملی که منجر به رفتار مجرمانه طفل شده‌اند، مقابله می‌نماید. به عنوان مثال، اگر استعمال مواد مخدر یکی از عوامل مؤثر در جرم بوده است، قرار شامل بازپروری بزه‌کار می‌شود و اگر فرار از مدرسه در وقوع جرم مؤثر بوده، طفل بزه‌کار ملزم به حضور در مدرسه می‌گردد. نمونه کلی قرار برنامه اقدامات بدین صورت است که از یک برنامه اصلی تشکیل شده که چند شرط خاص متناسب با شدت جرم و نیازهای طفل به آن ضمیمه شده‌اند. معمولاً برنامه اصلی از ۶ جلسه ۲ الی ۳ ساعته که به موضوعاتی



از قبیل نتایج ارتکاب جرم، مسائل ویژه بزه‌دیدگان، ارتباطات خانوادگی و... می‌پردازد، تشکیل می‌شود. قبل از صدور قرار، دادگاه گزارشی کتبی از مأمور تعلیق، مددکار اجتماعی یا یک عضو کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار دریافت و بررسی می‌نماید. این گزارش شامل شروط پیشنهاد شده برای قرار، مزایای قرار برای بزه‌کار و نظر اولیاء وی می‌شود. اگر بزه‌کار زیر شانزده سال سن داشته باشد، دادگاه اطلاعاتی در مورد وضعیت خانوادگی وی و تأثیری که قرار پیشنهاد شده بر آنان دارد، کسب و آن را بررسی می‌نماید. شروطی که ممکن است بر بزه‌کار تحمیل شود، یک یا چند مورد از موارد زیر است:

(۱) الزام طفل به شرکت در فعالیت‌های خاص.

(۲) حضور در مراکز خاصی در ساعات معین، خودداری از ورود به محل‌های مشخص و تبعیت از ترتیبات خاصی جهت آموزش.

(۳) الزام به جبران خسارات بزه‌دیده یا جامعه.

(۴) شرکت در جلسات استماعی که توسط دادگاه ظرف ۲۱ روز از تاریخ صدور قرار تشکیل می‌شود. چنین شروطی تا حد امکان باید به‌گونه‌ای باشد که در تعارض با عقاید مذهبی محکوم‌علیه، شروط قراردادی دیگری که احتمالاً بر وی تحمیل شده یا در تداخل زمانی با کار یا حضور در مدرسه یا دیگر مؤسسات آموزشی نباشد.

#### ۴-۳-۲-۴- قرار حبس و آموزش

قرار حبس و آموزش در مورد اطفال ده تا هفده ساله قابل اعمال است و جایگزین قرار نگهداری و آموزش بزه‌کاران در یک مرکز کارآموزی بسته که قبلاً ویژه اطفال دوازده تا چهارده ساله بود و بازداشت در کانون ویژه اطفال بزه‌کار که قبلاً در مورد اطفال پانزده تا هفده ساله اعمال می‌گردید، شده است. قرار حبس و آموزش تنها در صورتی که معیارهای قانونی مشخصی وجود داشته باشند، قابل اعمال است. این قرار در یکی از موارد زیر صادر می‌شود:

(۱) محکومیت طفل به دلیل ارتکاب جرمی که در مورد اشخاص بالغ منجر به محکومیت حبس می‌گردد و جرم چنان شدید است که تنها اعمال مجازات حبس برای آن مناسب است. (معیار اعمال این قرار، سن فرد در زمان محکومیت است، نه سن وی در هنگام ارتکاب جرم.)

(۲) در مورد یک جرم خشونت‌آمیز یا جرم جنسی که تنها مجازات حبس برای حمایت جامعه از صدمات شدید بزه‌کار مناسب می‌باشد.



۳) محکوم علیه از اعلام رضایت نسبت به یک مجازات اجتماعی - که رضایت وی را لازم می‌داند - خودداری می‌ورزد.

علاوه بر آن، در مورد نوجوان بزه‌کاری که زیر پانزده سال دارد، دادگاه باید متقاعد شود که وی یک بزه‌کار متمیز است. در مورد طفل زیر دوازده سال نیز دادگاه باید متقاعد شود که تنها مجازات حبس برای حمایت جامعه از تکرار جرم مؤثر است.

این قرار در مدت‌های ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۸ یا ۲۴ ماهه صادر می‌شود. نصف این مدت در بازداشت سپری شده و بقیه آن در جامعه و تحت نظارت مأمور تعلیق، مددکار اجتماعی یا یک عضو کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار گذرانده می‌شود. البته مقرراتی در مورد رهایی زودرس یا طولانی‌تر بسته به رفتار محکوم علیه وجود دارد. ظرف مدت پنج روز از تاریخ پذیرش طفل در بازداشتگاه، یک برنامه آموزشی تهیه می‌شود. این برنامه مرتباً مورد بررسی قرار گرفته و اهدافی که در طول مدت بازداشت طفل باید محقق گردند و شیوه دست‌یابی به آن‌ها، در آن مشخص می‌شود.

دوره پس از حبس قرار که تحت نظارت انجام می‌شود، به منظور تضمین حصول وظایفی که در دوره زندان برعهده گرفته شده است، می‌باشد. خودداری از رعایت قواعد نظارت، ممکن است منجر به بازگشت طفل به بازداشت به منظور گذراندن بقیه مدت شود، البته در این مورد دادگاه می‌تواند به جای بازداشت، حکم به پرداخت جزای نقدی تا ۲۵۰ پوند در مورد اطفال ده تا سیزده ساله و تا ۱۰۰۰ پوند در مورد اطفال چهارده تا هفده سال صادر نماید.

قرار حبس و آموزش از این لحاظ که اعمال مجازات حبس را از محدوده پیشینش (دوازده سالگی) - که در نوع خود مرز بسیار پایینی محسوب می‌شد - تقلیل داده و به ده سالگی رسانده، مورد انتقاد جدی قرار دارد و شروط متعددی که برای اجرای آن وضع شده نیز نمی‌تواند اشکالات تعیین چنین سن پایینی برای اعمال حبس را رفع نماید.

## ۵- ارزیابی تحولات اخیر حقوق انگلستان

### ۵-۱- رویکرد مجازات‌های استحقاقی

این رویکرد مبتنی بر سزاگرایی و تأکید بر خصوصیات جرم ارتكابی است. بدین معنا که مجازات باید با میزان شدت جرم مورد سنجش قرار گیرد تا میان آن دو تناسب برقرار شود.

تنوری عدالت استحقاقی دارای اصول مهمی است که به‌طور خلاصه می‌توان آن‌ها را مشتعل بر این موارد دانست که اولاً، مرتکبان جرایم مشابه باید دارای مجازات‌های مشابه باشند. ثانیاً، احراز تقصیر از



لوازم مجرمیت مجرم در ارتکاب جرم خواهد بود. ثالثاً، شدت مجازات باید با شدت جرم ارتكابی و میزان صدمه وارده به قربانی جرم و نیز میزان قابلیت سرزنش متناسب باشد.

#### ۵-۲- تناسب در قوانین کیفری و رهنمودهای تعیین مجازات

رعایت تناسب جرم و مجازات در قوانین، این امکان را فراهم می‌آورد که انسجام درونی در مقررات کیفری به وجود آید. هر نظام عدالت کیفری به معیارها و ملاک‌هایی نیازمند است که اطمینان حاصل نماید که قانون‌گذار برای تعیین جرم و مجازات به دنبال هدف یا اهدافی خاص می‌باشد.

مبنای مجازات در نظام کیفری انگلستان شدت جرم است و رعایت اصل تناسب در آن ضروری می‌باشد، به طوری که در آخرین مقررات کیفری این نظام در ماده ۱۱۴۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ بیان شده که دادگاه ملزم است در بررسی شدت جرم، میزان صدمه به قربانی جرم و قابلیت سرزنش آن را در نظر بگیرد. تعیین حبس ابد برای قتل عمد و قاچاق مواد مخدر و سرقت مسلحانه، طبقه‌بندی مواد مخدر و تعیین مجازات‌های مربوط به هر طبقه، تعیین مجازات چهارده سال حبس برای رانندگی خطرناک منجر به مرگ و موضوع تبصره ماده ۲۸۵ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، نمونه‌ای از انعکاس شدت (طولی) جرم مذکور است. در واقع دادگاه ملزم به رعایت دو عنصر مذکور تشکیل‌دهنده تناسب می‌باشد.

نظام کیفری انگلستان از سال ۱۹۹۱ با تصویب قانون عدالت کیفری مبنای اصلی تعیین مجازات را عدالت استحقاقی با محتوای تناسب مجازات با جرم قرار داده و همواره بر رعایت معیار مذکور در قوانین کیفری و رهنمودهای تعیین کیفر در تعیین مجازات تأکید کرده است. بررسی قوانین کیفری ایران و مبانی جرم‌انگاری آن‌ها \_ فارغ از جرایمی محدود مانند حدود که از نظام کیفری خاص خود پیروی می‌نمایند \_ نشان می‌دهد که در جرم‌انگاری رفتارها و تعیین مجازات‌ها از جمله مجازات‌های تعزیری که بخش نزدیک به اتفاق قوانین کیفری را تشکیل می‌دهند، منعی وجود ندارد که بتوان نظامی واحد برای تعیین کیفر، حاکم دانست. با این حال، نمی‌توان در این‌گونه جرم‌انگاری‌ها که ظرفیت آن را دارد که از نظامی واحد تبعیت کند، نظامی واحد و مبنایی روشن برای تعیین کیفر دریافت کرد. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۶)

#### ۵-۳- کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و براساس حقوق بین‌الملل برای کشورهای طرف کنوانسیون الزام‌آور است. از لحاظ این کنوانسیون،



شخص زیر هجده سال، طفل محسوب می‌شود، مگر این‌که براساس قانون داخلی که نسبت به طفل قابل اجراست، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

مطابق بند ۳ ماده ۴۰ این کنوانسیون: «شورهای عضو در راستای افزایش وضع قوانین، مقررات، مقامات و مؤسساتی که مربوط به کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری باشند، تلاش خواهند کرد و به خصوص اقدامات زیر را معمول خواهند داشت:

الف) قائل شدن حداقل سنی که فرض شود اطفال زیر این سن، فاقد اهلیت نقض قانون کیفری می‌باشند.

ب) در صورت تناسب و تمایل، وضع مقرراتی در جهت رفتار با این‌گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی به شرطی که حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شود...»

باوجود عدم تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری در کنوانسیون، به‌طور کلی دولت‌ها ترغیب شده‌اند که حداقل سن را خیلی پایین در نظر نگیرند. کمیته‌ای که توسط سازمان ملل به منظور گزارش تطابق با کنوانسیون تشکیل شد، نگرانی شدید خود را نسبت به پایین بودن سن مسئولیت کیفری در کشور سریلانکا که هشت سالگی می‌باشد، چنین بیان کرد: «سن مسئولیت کیفری نباید خیلی پایین باشد.» همچنین این کمیته در سال ۱۹۹۵ گزارشی علیه بریتانیای کبیر صادر کرد. نظریه کمیته چنین توضیحاتی را در برداشت: «ساختار سیستم قضایی ویژه اطفال در دولت‌ها، برای کمیته حائز اهمیت است. تعیین سن پایین برای مسئولیت کیفری، مطابق مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون نمی‌باشد. کمیته توصیه می‌کند که به منظور تضمین این‌که سیستم عدالت کیفری ویژه اطفال، متمایل به مصالح کودکان است، قانون اصلاح شود. به‌ویژه کمیته توصیه می‌کند که توجه زیادی به سن مسئولیت کیفری در سراسر بریتانیای کبیر صورت پذیرد.» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که حتی قبل از تصویب قانون جرم و بی‌نظمی و کنار گذاشتن اماره قابل رد عدم رشد، کمیته مذکور رویکرد حقوق انگلستان را قابل انتقاد دانسته است. بنابراین در مجموع نمی‌توان گفت که تغییرات اخیر در انگلستان هماهنگ با روح کنوانسیون حقوق کودک بوده‌اند.

#### ۴-۵- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هیچ ماده‌ای مستقیماً به رشد جزایی یا مسئولیت کیفری اختصاص داده نشده است. با این حال، موضوع سن مسئولیت کیفری به صورت مستقیم در پرونده‌های «تی» و «وی» علیه انگلستان مطرح شد. در این دو پرونده، دادگاه اروپایی حقوق بشر تقاضای دو طفل که در



سن ده سالگی یک پسر بچه دو ساله را کشته و در یازده سالگی، در دادگاه جزای انگلستان محاکمه و محکوم شده بودند را بررسی کرد. قسمتی از عرض حال متقاضیان این بود که در پرتو سنشان، محاکمه آن‌ها در دادگاه جزای بزرگسالان، حقوق آنان در مواد ۳ و ۱ تا ۶ و ۱۴ کنوانسیون را نقض کرده است. این مواد به شرح زیر می‌باشند:

ماده ۳: «هیچ کس نباید تحت شکنجه یا رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا ترذیلی قرار گیرد.»  
ماده ۱ تا ۶: «هر کس حق دارد در بررسی حقوق و تعهدات حقوقی و نیز رسیدگی به اتهام کیفری خود، از دادرسی منصفانه و علنی در یک مدت منطقی و توسط محکمه‌ای مستقل و بی طرف که بنا بر قانون ایجاد شده است، بهره‌مند گردد ...»

ماده ۱۴: «بر خوراری از حقوق و آزادی‌های مقرر در این کنوانسیون، باید بدون تبعیض بر هر مبنایی نظیر جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیر آن، ریشه‌های ملی و اجتماعی، ارتباط با یک اقلیت ملی، اموال، تولد [حرام یا حلال‌زادگی] و ویژگی‌های دیگر تضمین گردد.»  
پس از بحث و بررسی مفصل، دادگاه چنین نظر داد: «هیچ استاندارد معمول صریحی میان دول عضو شورای اروپا در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری وجود ندارد. حتی اگر انگلستان و ویزل در میان کشورهای اروپایی باشند که حداقل سن مسئولیت کیفری کمی را لحاظ داشته‌اند، نمی‌توان سن ده سال را به عنوان سنی که با دیگر محدوده‌های سنی مورد پذیرش دیگر کشورهای اروپایی تفاوت آشکاری دارد پذیرفت. دادگاه نتیجه می‌گیرد که انتساب مسئولیت کیفری به متقاضیان فی نفسه منجر به نقض ماده ۳ کنوانسیون نخواهد شد.»

همچنین دادگاه نظر داد که بنا به دلایل مشابه، قراردادن یک طفل یازده ساله تحت محاکمه جزایی، فی نفسه منجر به نقض ماده (۱) ۶ کنوانسیون نخواهد شد: «به همین ترتیب نمی‌توان گفت که محاکمه یک طفل (حتی یازده ساله)، تضمینات محاکمه منصفانه را که در ماده (۱) ۶ قید شده است، نقض می‌نماید. اگرچه دادگاه با کمیسیون موافقت دارد که ضروری است که با طفلی که متهم است به گونه‌ای برخورد شود که سن، میزان رشد و ظرفیت‌های هوشی و اخلاقی وی مدنظر قرار گیرد و آن مراحل اتخاذ شوند تا توانایی درک وی را ارتقاء داده و وی را در رسیدگی‌ها شرکت دهند.»

با توجه به این دو پرونده می‌توان نتیجه گرفت که کنوانسیون به صورت مستقیم در خصوص قواعد مربوط به رشد جزایی اطفال دل مشغولی ندارد و در واقع کنوانسیون هیچ سیستم حقوقی را به وضع



قواعدی مربوط به عدم اهلیت جزایی اطفال زیر یک سن مشخص ملزم نمی‌سازد. به‌علاوه تعقیب کیفری یک طفل فی‌نفسه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض نمی‌کند، مشروط بر آن‌که آیین دادرسی به‌کار گرفته شده به‌گونه‌ای باشد که رشد طفل را در نظر بگیرد. تمرکز کنوانسیون بر این است که اطفال را از سخت‌گیری‌های کامل رسیدگی‌های کیفری مصون نگه دارد، اگرچه هیچ سن خاصی را در این خصوص مقرر نمی‌دارد.

برخلاف کنوانسیون حقوق کودک که سن مسئولیت کیفری را به صورت مطلق در نظر می‌گیرد، دادگاه اروپایی حقوق بشر آن را در ارتباط تنگاتنگ با شیوه دادرسی و نوع واکنش اجتماعی که در پاسخ به بزه‌کاری اطفال و نوجوانان در پیش گرفته می‌شود، می‌داند. به‌گونه‌ای که در پرونده مطرح شده در مورد حقوق انگلستان، علی‌رغم آن‌که اطفال در سن یازده سالگی محاکمه شده و محکومیت یافته بودند، صرف انتساب مسئولیت کیفری و نیز صرف محاکمه آنان را مخالف کنوانسیون اروپایی ندانست، بلکه آنچه که از دیدگاه قضات حائز اهمیت است، شیوه محاکمه و نیز نوع واکنشی است که پس از محکومیت در انتظار اطفال می‌باشد. نتیجه این‌که علی‌رغم آن‌که تحولات اخیر حقوق انگلستان سن مسئولیت کیفری را پایین آورده‌اند، اما با توجه به این‌که نوع واکنش‌های اجتماعی به بزه‌کاری اطفال نیز دگرگونی عمیقی یافته است و شامل اقدامات مبتنی بر پیش‌گیری زودرس و نیز اقدامات اصلاحی تربیتی می‌باشند، کاهش سن مسئولیت لزوماً متضمن نقض حقوق کودکان نیست. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵)

## ۶- سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی

یکی از ایراداتی که همواره منادیان حقوق بشر و حقوق کودکان به قوانین ایران وارد می‌کنند، سن مسئولیت کیفری بوده که در قانون جدید، اصلاحاتی در این زمینه صورت گرفته است. سن مسئولیت کیفری اطفال را باید یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی مربوط به حقوق کودک در ایران دانست. از یک‌سو با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه و تبعیت قانون‌گذار ایرانی از نظریه مشهور فقهای شیعه در تدوین و تصویب قوانین موضوعه، تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ شرعی، مبنای شناسایی سن مسئولیت کیفری برای اطفال بزه‌کار شده است و از سوی دیگر الحاق ایران به برخی کنوانسیون‌ها و میثاق‌های مختلف بین‌المللی و لزوم عدم تعارض قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیون‌ها، مسائلی را به وجود آورده که قانون‌گذار ضروری دانست در این مورد تغییراتی ایجاد کند. به عنوان مثال، در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، کودکان بین سن نه تا پانزده سال که



مرتکب جرایم تعزیری شوند، فقط مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی، اصلاحی و درمانی می‌شوند یا در ماده ۹۱، مفهوم طفل را تا سن هجده سالگی تسری داده و با پذیرش عدم مسئولیت و عدم کمال عقل در افراد بالغ کمتر از هجده سال، فرض و قاعده‌ای ایجاد شده است که باید خلاف آن را دیگری که مدعی عقل و کمال است، ثابت کند و البته این حکم دقیقاً مطابق با حکم صریح آیه قرآن است که می‌فرماید: «وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم» (نساء: ۶)

«یتیم و کودک را باید امتحان کنید تا به سن بلوغ نکاح برسند.» این شرط است. این حکم در ماده ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی هم تکرار شده که می‌گوید: «در جنایت، اصل بر عدم عقل و عدم بلوغ است.» رأی وحدت رویه ۷۳۷-۱۳۹۳/۹/۱۱ باز یکی از شاهکارهای رویه قضایی کشور ما است که اعاده دادرسی را در مورد قتل‌هایی که زیر سن هجده سالگی واقع شده، به دلیل اماره عدم عقل و عدم رشد یک کودک زیر هجده سال و تسری حکم ماده ۹۱ به جرایمی که قبل از سال ۱۳۹۲ اتفاق افتاده، تجویز کرده است. (معاونت بین‌الملل ستاد حقوق بشر، ۱۳۹۶: ۶۳-۵۶)

## ۶-۱- تغییرات ماهوی و شکلی در قوانین ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران پدیده‌های نوینی در قالب تغییرات ماهوی و شکلی طی چند سال اخیر صورت گرفته است که بدین شرح می‌باشد:

### ۶-۱-۱- تغییرات ماهوی

۱) برقراری رژیم مسئولیت کیفری تدریجی برای اطفال و نوجوانان.  
۲) اصلاح سن مسئولیت کیفری متکی بر بنیاد ضابطه رشد عقلی. بدین ترتیب، دسته‌بندی از سن نه الی دوازده سال، دوازده الی پانزده سال و پانزده الی هجده سال متکی بر این است که طفل مرتکب جرم تعزیری یا جرم مشمول حد و قصاص شود که در این صورت نوع برخورد دستگاه قضا با او متفاوت خواهد بود.

۳) اصلاح تدابیر تنبیهی و جایگزینی آن‌ها با پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی.

۴) نصیحت و تذکر به وسیله دادگاه و در نهایت نگره‌داری در کانون اصلاح و تربیت.

۵) محدودیت مجازات‌های سلب‌کننده حیات و مشمول حد و قصاص که برای اولین بار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شد که اگر افراد بالغ کمتر از هجده سال مرتکب جرم حدی یا قصاص شوند، چنانچه ماهیت آن بزه را تشخیص ندهند یا حرمت آن را ندانند یا در رشد عقلی این





اطفال شک کنیم، نظر پزشک قانونی را در خصوص رشد عقلی کودک می‌گیریم که حتی الامکان حکم به قصاص یا اعدام صادر نشود.

۶) استفاده از پاسخ‌های کیفری، فرصت‌بخش و تمهید نهادهایی مثل تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات در مراحل مختلف دادرسی است. در ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی این اجازه داده شده است که در مورد تمام جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان، دادگاه حکم به تعلیق مجازات بدهد یا دستور تعویق حکم را صادر نماید.

۷) طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم اعمال مقررات تکرار جرم در مورد اطفال و نوجوانان از جمله مساعدت‌هایی است که در حقوق کودکان و نوجوانان صورت گرفته؛ لذا جرایم اطفال و نوجوانان مشمول قاعده تکرار جرم نمی‌شود.

۸) فقدان آثار محکومیت کیفری در مورد اطفال و نوجوانان در ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۹) امکان اعمال کیفیات تخفیف یافته و کاهش مجازات به میزان نصف و تبدیل اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان به اقدام دیگر در ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

#### ۶-۱-۲- تغییرات شکلی

در تغییرات شکلی که در شیوه رسیدگی و آیین دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اعمال شده است، نکات مهمی وجود دارد:

۱) دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان: در این قانون پیش‌بینی شده که به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان رسیدگی شود. به جرایم اطفال (افراد زیر پانزده سال)، به‌طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود. ویژگی‌های خاص این دادگاه‌ها استفاده از قضاتی است که حداقل ۵ سال سابقه کار قضایی داشته و آموزش‌های لازم را دیده باشند و با ابلاغ رئیس قوه قضاییه به عنوان مسئول این دادگاه‌ها انتخاب شوند.

۲) تشکیل دادرسی ویژه نوجوانان: اگر نوجوانان بین پانزده الی هجده سال سن، مرتکب جرایمی شوند که مجازات آن مثل اعدام، حبس ابد و... باشد که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است، جرایم آن‌ها در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

۳) ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی کرده است که دادگاه تجدیدنظر ویژه اطفال و نوجوانان با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضاییه تشکیل شود.



۴) تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان: برخورد قهرآمیزی که ممکن است پلیس‌های غیرمتخصص با اطفال و نوجوانان داشته باشند، روی روان اطفال تأثیر دارد. بنابراین نمی‌توان هر برخوردی که با بزرگسالان انجام می‌شود را با اطفال و نوجوانان نیز داشته باشیم؛ لذا قانون‌گذار، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی کرده است که تحول بزرگی در حقوق کودکان به‌شمار می‌آید.

۵) راهبردهای عقب‌نشینی کیفری، در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عبارت از: «قضازدایی، کیفرزدایی و محدودیت بازداشت موقت در مورد اطفال و نوجوانان» است که اگر زیر پانزده سال سن داشته باشند و مرتکب جرمی شوند، فقط می‌توان طفل را برای تأدیب، به والدین یا اشخاص حقیقی یا حقوقی معتبر تسلیم کرد و اگر بالای پانزده سال یعنی بین پانزده تا هجده سال سن داشته باشند، تنها می‌توان قرار کفالت یا وثیقه و نگه‌داری در کانون اصلاح و تربیت را صادر کرد و قرار بازداشت موقت نخواهیم داشت.

۶) الزام به حضور وکیل در مراحل دادرسی در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. ۷) تعیین وکیل تسخیری در شرایطی که والدین به هر دلیلی وکیل طفل و نوجوان را معرفی نکنند. ۸) ممنوعیت انتشار جریان رسیدگی و معاف ساختن طفل از حضور در جریان دادرسی. البته اصل این است که نوجوان در جلسه دادگاه حاضر باشد، اما در مواردی که مصلحت اقتضا کند که طفل حاضر نشود، قانون‌گذار اجازه داده است که طفل حتی در جلسه دادرسی حضور نداشته باشد.

۹) با وجود آن‌که اصل بر علنی بودن جلسه رسیدگی است، اما در مورد اطفال و نوجوانان به خاطر حفظ حیثیت و آسیب‌پذیری این گروه، قانون‌گذار اجازه داده که حضور دیگران با دستور دادگاه صورت گیرد. ۱۰) مکلف کردن قضات به بازدید دوره‌ای از مراکز نگه‌داری اطفال و نوجوانان و سرکشی به اطفال و نوجوانی که در مراکز یا کانون‌های اصلاح و تربیت نگه‌داری می‌شوند. قاضی باید هر ماه از اطفالی که موضوع پرونده‌های شعبه خود هستند، بازدید کند.

۱۱) امکان تجدیدنظر مکرر در آرا و تصمیمات دادگاه بر اساس گزارش مددکاران از نوع رفتار و اعمال اطفال و نوجوانان.

۱۲) قابل تجدیدنظر بودن تمامی احکامی که در مورد اطفال و نوجوانان صادر می‌شود.

۱۳) امکان حضور والدین در جلسه دادگاه برای مساعدت به اطفال، والدین، اولیا و سرپرستان

قانونی.



۱۴) نگرش اجتماعی و مددکارانه در دادرسی؛ یعنی ایجاد نهاد مددکاری متشکل از متخصصین در زمینه مددکاری، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و رشته‌های دیگر برای تشکیل پرونده شخصیت.

۱۵) مطابق ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تشکیل پرونده شخصیت بر اساس وضعیت روحی و روانی، وضعیت خانوادگی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی طفل یا نوجوان در کنار پرونده قضایی می‌باشد. هنگامی که قاضی درصدد صدور حکم باشد، اگر مطابق پرونده قضایی، دلیل و مدرکی بر توجه به اتهام وجود داشته باشد، با ملاحظه پرونده شخصیتی تصمیم می‌گیرد که کدام اقدام تأمینی و تربیتی را اعمال کند تا زمینه اصلاح و پرورش طفل فراهم شود.

۱۶) توسعه صلاحیت مددکاران اجتماعی بهزیستی به عنوان ضابط اجتماعی در ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. این افراد در محاکم کنار کودکان شرکت می‌کنند و اقدامات تربیتی و اصلاحی انجام می‌دهند و بر پایه پیشنهاد این افراد، قاضی می‌تواند در رأی خود تجدیدنظر کند. (معاونت بین‌المللی ستاد حقوق بشر، ۱۳۹۶: ۴۵-۳۰)

## ۷- حقوق خاص دادرسی کودکان در قوانین بین‌المللی و قوانین ایران

بخشی از معیارهای حقوق دادرسی، با توجه خاص به کودکان در کنوانسیون‌های بین‌المللی مقرر و سپس وارد آیین دادرسی کشورها شده است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز، قوانین مربوط به مجازات کودک تغییر ماهوی و شکلی داشته و مصادیق بین‌المللی دادرسی کودکان در آن مؤثر بوده است و به‌ویژه پس از انقلاب تحولات متعددی در حوزه حقوق کودک ایجاد شده و رویکرد مدیرانه‌ای اتخاذ شده است. مصادیق این دادرسی خاص در زیر ارائه می‌شود.

### ۱-۷- حضور سرپرست هنگام رسیدگی قضایی

مواد ۱، ۲۷ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک به دادرسی اختصاص دارد. اصل ۶ اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک و ماده ۹ کنوانسیون، بر این امر دلالت دارد که در دادرسی‌ها، جدا ساختن کودکان از افراد بزرگسال به نفع ایشان است. بنابراین باید بازداشت کودکان قبل از محاکمه تا حد امکان برای مدت محدودی باشد و در محیطی مناسب و جدای از متهمان بزرگسال انجام گیرد. هم‌چنین، مطابق بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک، دستور جدا ساختن کودک از خانواده تنها باید در مواردی صادر شود که به سود اوست؛ زیرا جدا شدن کودک از خانواده، به معنای محروم شدن از آسایش و آرامشی است که کودکان بیش از سایر افراد بدان نیاز دارند.



در این رابطه، حکم کلی ماده (۲) ۹ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «در هریک از مراحل دادرسی باید به تمام طرف‌های ذی‌نفع فرصت داده شود در مراحل دادرسی شرکت کرده و نظرات خود را ابراز کنند.» هم‌چنین ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در جرایمی که رسیدگی آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کنند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.»

#### ۲-۷- اطلاع والدین از هرگونه اقدام یا پی‌گرد پلیسی و قضایی پیش از انجام

با توجه به روحیات خاص کودکان و جلوگیری از محدود شدن آزادی آنان تا جایی که ممکن است، باید هرگونه اقدام یا پی‌گرد پلیسی و قضایی، پیش از انجام، به اطلاع سرپرست کودک برسد. ماده ۹ بند ۴ کنوانسیون حقوق کودک نیز به این مسئله دلالت دارد. ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در ایران نیز این تکلیف را برای محاکم مشخص کرده است.

#### ۳-۷- حق استماع اظهارنظر کودک

طبق بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک، نظر کودک در رسیدگی‌های قضایی و موضوعات دیگر به‌طور مستقیم استماع می‌شود. حضور کودک در قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۴۱۶، در دادگاه در مواردی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد، پیش‌بینی شده است.

#### ۴-۷- جدا کردن کودکان زندانی از افراد بزرگسال

ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک بر این امر دلالت دارد که در دادرسی‌ها، جدا ساختن کودکان از افراد بزرگسال به نفع ایشان است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز طبق ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال در دادگاه اطفال و نوجوانان صورت می‌گیرد. هم‌چنین در ماده ۵ آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵ اشاره شده است که گروه سنی اطفال و نوجوانان شامل زندانیان زیر هجده سال باید در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شوند و چنانچه در استانی کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد، در محل جداگانه‌ای خارج از محیط زندان نگهداری می‌شوند.



#### ۵-۷- محرمانه بودن اسرار و غیرعلنی بودن جلسه

به دلیل ضرورت حفظ مصلحت و حریم خصوصی کودک که در مقایسه با بزرگسالان با مخاطرات بیشتری روبه‌رو است و در (ماده هفت ب (۲) ۴۰ کنوانسیون) بدان اشاره شده، ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به این اصل اساسی پرداخته و مقرر می‌دارد: «در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیا یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.» هم‌چنین، انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی یا فیلم‌برداری، تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. (السان، ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۸۸)

#### ۴-۷- ضرورت تشکیل پرونده شخصیت

ماده ۱۶ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، بر ضرورت تشکیل پرونده شخصیت جز در مورد اتهامات جزئی اطفال و نوجوانان، در طول جریان تحقیقات و دادرسی تصریح کرده است. پرونده شخصیت، حاوی گزارشی از اظهارنظر متخصصان روان‌شناس کودک، پزشک، روانکاو و مددکار اجتماعی، در زمینه وضعیت روحی و روانی، جسمی، شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و خانوادگی اطفال و نوجوانان تحت پی‌گرد قضایی است. ضرورت تشکیل این پرونده از آن جهت است که قاضی می‌تواند با مطالعه و بررسی آن، اشراف کافی و کامل به وضعیت کودک یا نوجوان تحت پی‌گرد پیدا کند تا عکس‌العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ کند، کاملاً قابل درک است. (دانش، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۱) در ایران نیز بر اساس مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، پرونده شخصیت مشتمل بر اطلاعات شخصی متهم از قبیل سوابق فردی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و وضعیت شغلی، اقتصادی، پزشکی و روان‌پزشکی و هم‌چنین سوابق کیفری به منظور استفاده در اتخاذ تصمیم مناسب قضایی در کنار پرونده قضایی تشکیل می‌شود. (نوبهاری، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۱۰۱)

#### ۸- رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری تشکیلات

##### ۱-۸- ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری، رئیس دادگاه‌های اطفال و نوجوانان

رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه، حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد.



**۲-۸- ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری، قضات دادرسی و دادگاه اطفال و نوجوانان**

قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند.

**۳-۸- ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان**

مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، علوم تربیتی، دانشگاهیان، فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

تبصره ۱: نحوه انتخاب مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان

برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند، به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌کند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۲: حضور مشاوران زن در دادگاه اطفال و نوجوانان

در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

**۴-۸- ماده ۴۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، جانشین قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان**

هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه بازماند، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه نماید یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی کند.

**۵-۸- رسیدگی به جرایم اطفال در قانون مجازات اسلامی (مواد ۸۸ و ۸۹)**

در ماده ۸۸ درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

(۱) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.



۲) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات (قانون مدنی).

۳) نصیحت به وسیله قاضی دادگاه به عدم تکرار جرم.

۴) اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی.

۵) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا

پنج.

در ماده ۸۹ نیز درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است، مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

۱) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

۲) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.

۳) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون یا انجام یک‌صد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایم تعزیری درجه ۵.

۴) پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یک‌صد و هشتاد ساعت خدمت عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.

۵) پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.

### تبصره بند الف ماده ۸۸:

هرگاه دادگاه مصلحت بداند، می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد زیر و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ کند:

۱) معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان.

۲) فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی.



۳) اقدام لازم به منظور درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.

۴) جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه.

در جرایم حدی یا قصاصی، اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم حدی یا قصاص می‌شوند، از جمله: «افراد نابالغ کمتر از دوازده سال قمری، مجازات بند الف تا پ ماده ۸۸، افراد نابالغ دوازده تا پانزده سال قمری مجازات بند ت تا ث ماده ۸۸ و افراد بالغ کمتر از هجده سال (ماده ۹۱) که ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، به یکی از مجازات‌های این فصل محکوم می‌شوند.»

## ۹- رویکرد نوین مواجهه با بزه‌کاری اطفال

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نه تنها از قاعده اعطای فرصت قانونی به کودک بزه‌کار بهره گرفته شده، بلکه با استفاده از راه‌کارهایی چون تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای حکم، نوجوان بزه‌کار را زیر چتر حمایتی خود قرار داده و رویکرد اصلاح و تربیت بزه‌کار را در رویه قضایی خود دنبال می‌کند.

### ۹-۱- اعطای فرصت به طفل و نوجوان

اعطای فرصت به طفل و نوجوان به از طریق روش‌های زیر اعمال می‌شود:

#### ۹-۱-۱- تعلیق تعقیب

ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۹۲ قرار تعلیق تعقیب و شرایط آن را به صراحت بیان کرده است. هم‌چنین قانون‌گذار در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شرایط قرار بایگانی شدن پرونده را ذکر نموده است.

#### ۹-۱-۲- تعویق صدور حکم

ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی به قرار تعویق صدور حکم به دو صورت ساده و مراقبتی اشاره کرده است.

#### ۹-۱-۳- تعلیق اجرای حکم

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی به قرار تعلیق اجرای مجازات اختصاص دارد.

#### ۹-۲- اقدامات تأمینی و تربیتی

(۱) تسلیم به والدین با تعهدات معین.





۲) نصیحت توسط قاضی.

۳) اخذ تعهد به عدم تکرار جرم.

۴) تسلیم به اشخاص حقیقی و حقوقی.

مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی با رویکرد حمایتی، اقدامات تأمینی و تربیتی را برشمرده است. ماهیت اصلی این تدابیر جنبه اصلاح و تربیت داشته و از انگیزه انتقام‌جویی و مجازات به دور است.

۹-۳-۳- پیش‌بینی کیفرهای تخفیف یافته

۹-۳-۱- انجام خدمات عمومی

ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، خدمات عمومی را نام برده و ماده ۸۹ در جرایم تعزیری نوجوانان پانزده تا هجده سال تمام شمسی، میزان ساعت خدمات عمومی را مشخص کرده است.

۹-۳-۲- جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، در بندهایی در خصوص نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری درجه پنج تا هشت شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است، جزای نقدی را به عنوان جایگزین حبس در کانون اصلاح و تربیت مقرر کرده است.

۹-۳-۳- حبس خانگی

حبس خانگی در معنای واقعی خود سلسله ضمانت اجراهای محدودکننده‌ای است که از تحمیل منع رفت‌وآمد شبانه تا حبس در منزل را در بر می‌گیرد. قانون‌گذار ایران در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، به حبس در منزل برای نوجوانان بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی پرداخته است. قضات کیفری در آلمان نیز برای صغاری که مرتکب جرایم کوچک و سبک می‌شوند، اجازه داده‌اند این مجازات را به حبس‌های یک تا شش سال «تعطیل آخر هفته» تبدیل کنند. این‌گونه توقیف‌ها جنبه تربیتی دارد.

۹-۳-۴- نظام آزادی مشروط

ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی شرایط نظام آزادی مشروط را بیان می‌کند.

۹-۴- امحاء سابقه کیفری بزه‌کاران زیر هجده سال

ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با رویکرد جرم‌شناختی و به منظور جلوگیری از زدن برچسب مجرمانه به کودکان و ایجاد اختلال در فرایند جامعه‌پذیری آن‌ها وضع شده است و راجع



به تمامی مجازات‌های جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان می‌باشد.

#### ۹-۵- استفاده از مجازات‌های جایگزین

متهمان محکوم می‌توانند با تشخیص قاضی از مجازات‌های جایگزین استفاده کنند. به عنوان نمونه، سه متهم که در پرونده‌های جداگانه در بخش عمومی جرم، به یک‌سال حبس تعزیری محکوم شده بودند، با توجه به نداشتن سابقه کیفری، به انجام خدمات عمومی رایگان و کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان از سیل مکلف شدند. استان گلستان از استان‌های پیشرو کشور در صدور آرای جایگزین زندان است. (ایسنا، ۱۳۹۸) هم‌چنین آموزش مهارت و به‌کارگیری آن، یکی دیگر از مجازات‌های جایگزین حبس در محاکم قضایی ایران می‌باشد. (غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۶)

ذکر این نکته لازم است که تمایل قضات به صدور حکم محکومیت به حبس در کانون اصلاح و تربیت، موجب تداوم حیات مجرمانه زندانیان می‌شود. طبق نظریه طرفداران رشد، بزه‌کاری در حیات مجرمانه از یک نقطه آغاز شده و در اثر عوامل گوناگون تداوم می‌یابد، از جمله این عوامل، معاشرت ترجیحی زندانیان با سایر افراد در زندان و تشکیل خرده فرهنگ‌ها، پایدار شدن و تکرار بزه‌کاری آنان است. زندان به جای بازسازی بزه‌کار و بازگرداندن او به اجتماع، سبب ایجاد یک هویت زندگی مجرمانه در وی می‌شود، چون ابزارهای شرمسازسازی پردکننده هستند و سبب منفور شدن فرد از عدالت کیفری و تکرار بزه‌کاری در او می‌شود؛ لذا هرچه مقام قضایی رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص اطفال و نوجوانان را بیشتر به کار ببندد، به تولد دوباره حیات طفل یا نوجوان کمک کرده و می‌تواند آن‌ها را در مسیر صحیح زندگی اجتماعی هدایت کند. (بیگی، شهرانی، ۱۳۹۷: ۱۸۹-۱۶۱)

#### ۹-۵-۱- موارد منتفی شدن حکم اعدام

بر اساس قوانین کیفری در برخی موارد قضی مجاز است که حکم صادره اعدام را منتفی و از اجرای آن جلوگیری کند. توبه متهم از جمله این موارد است که امکان دارد حکم اعدام در آن انجام نشود. در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «اگر قاضی شک کرد فرد مرتکب جرم نشده، اصل بر برائت است که در مورد جرایم تعزیراتی هم اجرا می‌شود.» در ماده ۱۱۴ هم قید شده است که: «در جرایم موجب حد به جز محاربه، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت او بر قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود.» بر اساس ماده ۱۳ این قانون، تعقیب امر کیفری است که



طبق قانون شروع شده و هم چنین اجرای مجازات متوقف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

- ۱) فوت متهم یا محکوم‌علیه.
- ۲) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت.
- ۳) شمول عفو به سه صورت عفو معیاری، عفو عمومی و عفو موردی.
- ۴) نسخ مجازات قانونی.
- ۵) شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون.
- ۶) توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون.
- ۷) اعتبار امر مختوم.

هم چنین تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان می‌کند: «هرگاه مرتکب جرم، پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود، مگر آن‌که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام کند. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، طبق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»

#### ۹-۵-۲- تعلیق حکم

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد تعلیق حکم این چنین بیان می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. هم چنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری، تقاضای تعلیق نماید.»

#### ۹-۵-۳- نظام آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومیت به حبس تعزیری بیان می‌دارد: «دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط



زیر حکم به آزادی مشروط را صادرکنند.

- ۱) محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
- ۲) حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.
- ۳) به تشخیص دادگاه، محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۴) محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.»

## نتیجه‌گیری

تا سال ۱۹۹۸ رویکرد حقوق انگلستان در مورد مسئولیت کیفری اطفال، در نظر گرفتن اماره‌های عدم رشد بود. بدین ترتیب که در مورد اطفال زیر ده سال، اماره غیر قابل رد عدم رشد وجود داشت که خلاف آن به هیچ وجه قابل اثبات نبود. در مورد اطفال ده تا چهارده سال، اماره قابل رد عدم رشد وجود داشت و در صورتی که دادستان رشد جزایی طفل را اثبات می‌نمود، اماره رد شده و طفل واجد مسئولیت شناخته می‌شد. ایراد عمده این راه‌کار، رهاسازی اطفال به حال خود در پشت مصونیت ناشی از وجود اماره است. اگرچه اطفالی که فاقد رشد جزایی می‌باشند، قابلیت مؤاخذه و عقاب به جهت رفتارهای ارتكابی را به صورت مطلق یا نسبی نداشته و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشند؛ ولی آیا بایستی چنین اطفالی را در جامعه رها نمود و منتظر رسیدن آن‌ها به رشد جزایی شویم؟

از این رو دیدگاه‌های نوین جرم‌شناختی خواهان مداخله در فرایند رشد و جامعه‌پذیری اطفال می‌باشند. بر همین مبنا است که قانون جرم و بی‌نظمی انگلستان، اماره قابل رد عدم رشد را حذف نمود و ضمن پذیرش مسئولیت کیفری اطفال بالای ده سال، طیف وسیعی از قرارهای کیفری که در واکنش به بزه‌کاری اطفال می‌توانند به کار روند را جایگزین آن نمود.

نکته مهمی که با توجه به نوع قرارهایی که در اصلاحات اخیر دادرسی اطفال معرفی شده‌اند استنباط می‌گردد آن است که قانون‌گذار انگلستان تنها به اقدامات اصلاحی - تربیتی نسبت به اطفال بزه‌کار بسنده نکرده و علاوه بر آن از اقدامات پیش‌گیری زودرس که در جهت مقابله با عوامل خطر علاوه بر مرتکب، بخش عمده‌ای از تمرکز و جهت‌گیری خود را بر محیط خانوادگی و جامعه محلی واقع می‌سازند، استفاده نموده است. از این رو در قوانین جدید قراروی چون قرار ویژه والدین، قرارهای حمایت از کودک و طرح ممنوعیت رفت‌وآمد شبانه، همچنین قرار ویژه رفتارهای ضداجتماعی برای جلوگیری از تبدیل رفتارهای ضداجتماعی به اعمال مجرمانه و شکل‌گیری عادات مجرمانه و نیز اعمالی که به موجب این قرارها ممنوع می‌گردند، فی‌نفسه جرم نبوده، اما می‌توانند روند شکل‌گیری عادات مجرمانه را تسهیل و تسریع نمایند. توجه به مفاهیم عدالت ترمیمی و میانجی‌گری کیفری نیز از دیگر ویژگی‌های تحولات اخیر حقوق انگلستان است.

در حال حاضر در حقوق ایران، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی به مسئولیت کیفری اطفال می‌پردازد



و متأسفانه در این ماده هیچ رویکرد علمی نسبت به بزه‌کاری اطفال اتخاذ نشده است، زیرا اولاً شرط مسئولیت کیفری، بلوغ جنسی است که با توجه به آراء فقها، مفهومی زیست‌شناختی است، نه مبتنی بر رشد و کمال قوای عاقله. ثانیاً واکنش‌های پیش‌بینی شده در این ماده نیز بسیار سطحی و ساده‌انگارانه می‌باشند. لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هر چند عمدتاً رونویسی از قوانین قبل از انقلاب می‌باشد، اما در مقایسه با ماده ۴۹ فعلی، تحولی عمیق در انواع واکنش‌های اجتماعی قابل اتخاذ در خصوص بزه‌کاری اطفال پدید می‌آورد. انتخاب سن نه و ده به ترتیب در حقوق ایران و انگلستان به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پایین بوده و منطبق با وضعیت زیستی، روحی و روانی و واقعیت‌های موجود در زندگی اطفال و نوجوانان و مفاد کنوانسیون حقوق کودک نیست و از طرفی با وجود پذیرش مسئولیت کیفری نسبی در حقوق ایران و انگلستان، حقوق ایران این نوع مسئولیت را در جرایم تعزیری پذیرفته، اما در جرایم مستوجب حد و قصاص پذیرفته است؛ لذا در این جرایم به تبعیت از نظر مشهور فقها، سن نه و پانزده سال تمام قمری به ترتیب برای دختران و پسران به عنوان سن مسئولیت کیفری مطلق محسوب می‌شود. رشد جزایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان یک استثنا آن هم فقط در جرایم مستوجب حد و قصاص پذیرفته شده است؛ چراکه در این جرایم همین که مرتکب به سن بلوغ یعنی دختران به نه سال تمام و پسران به پانزده سال تمام قمری برسند، اصل بر رشد جزایی مرتکب است، مگر این‌که یکی از موارد سه‌گانه (عدم درک ماهیت رفتار، عدم درک حرمت عمل و شبهه در عقل) وجود داشته باشد که در صورت اثبات یکی از این موارد، هر چند مرتکب به سن بلوغ رسیده است، اما چنانچه کمتر از هجده سال تمام شمسی سن داشته باشد، در چنین حالتی مجازات قصاص و حد منتفی و به جای آن یکی از تصمیمات مقرر در فصل مربوط به اطفال و نوجوانان در نظر گرفته می‌شود. نکته قابل طرح این است پذیرش رشد جزایی در تمام جرایم به عنوان اصل و نه به عنوان یک استثنا، جزء ملزومات حقوق کیفری فعلی محسوب می‌شود و امید است سیاست‌گذاران کیفری ایران موضوع تفکیک سنی و جنسی بلوغ را تحت شرایطی نسخ و یک سن مشخصی را به عنوان سن رشد جزایی که برگرفته از نظرات فقها (به جهت رعایت موازین شرعی) و منطبق با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی



نیز باشد، تعیین نمایند.

## منابع

۱. دوگلاس، گیلیان (۱۳۸۳)، «حق کودک بر خطاکاری: مسئولیت کیفری و صغیر نابالغ»، تلخیص و ترجمه نسرين مهرا، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، الهیات و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز.
۲. کاری یو، روبر (۱۳۸۱)، «مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیش‌گیری از رفتارهای مجرمانه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵.
۳. مهرا، نسرين (۱۳۸۳)، «ترمیمی شدن عدالت کیفری در انگلستان و وینز»، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، تهران، سمت.
۴. مهرا، نسرين (۱۳۸۲)، «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸.
۵. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۸)، «طبقه‌بندی اطفال بزه‌کار در نظام کیفری انگلستان»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.
۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱)، «تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی»، مجتمع آموزش عالی قم.
۷. هرآ، نسرين؛ نوروزی، بهروز (۱۳۹۸)، «سیاست‌گذاری ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان با نگرشی بر نظرات امام خمینی (قدس سره) و دیگر فقها»، پژوهش‌نامه متین، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۴، پاییز.
۸. پاک‌نهاد، امیر (۵۸۳۱)، «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزه‌کاری اطفال»، مجله آموزه‌های قرآنی، سال ششم، شماره ۹۱.
۹. قانون مجازات اسلامی.

